

مهدی کروی که نزدیک شش ماه است به همراه همسرش در زندان خانگی بسر می برد در نامه ای به پسرش حسین نوشت: « یقین داشته باشید این دوران سخت و دشوار پایان خواهد یافت. زشتی و شرمنده‌گی می ماند برای افراد و مسئولیتی که ظلم می کنند و بر خلاف قانون و شرع حقوق مردم را پایمال می نمایند.» متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.

دستر آیت‌الله‌العظمی یوسف صانی با اختصاص شماره حسابی مورد وثوق از مردم دعوت کرد با توجه به گرسنگی و بی‌آبی ناشی از خشکسالی در شرق آفریقا کمک‌های خیرخواهانه خود را به مردم کشورهای این منطقه و به خصوص سومالی اختصاص دهند. شماره حساب برای این کمک خیرخواه در سایت این مرجع منتشر شده است.

نگاهی به کارنامه‌ی حکومت ناهلان و نامحرمان بر انقلاب



ظلم و بی‌دادگری و فساد باشد. میرحسین امروز از دسترس ما خارج است. باید اومی بود و می دید و به ما می گفت که ریشه های بحرانی که امروز دچار آنیم چیست؟ میرحسین کجاست که ببیند هر آنچه که باعث شده بود تا سکوت بیست ساله ی خود را بشکند و همه ی احساس خطرهایی که کرده بود و بر مبنای آن آبروی خود را به میان گذاشت و پا به عرصه نهاد امروز برای همگان از روز روشن تر شده است.

میرحسین موسوی به جای مبارزه با معلول‌ها سراغ ریشه‌ها و علت‌ها رفته بود. او معتقد بود سرمنشأ فساد سرکردگان دولتی هستند که هیچ الزامی برای گزارش‌دهی به مردم درباره نحوه هزینه‌کرد صدها میلیارد دلار درآمد ارزی نمی‌بینند. مهندس میرحسین موسوی معتقد بود که هر کسی برای مبارزه با فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی طریق افشاکری و هتک حریم مردم را انتخاب کرده باشد، او خود دزدی است که برای رد کم کردن فریاد آید دزد آید دزد سر می‌دهد. آنچه که طی ماه‌های اخیر از مفاسد دولت کودتا افشاء شده تأیید کننده دانش و تجربه راهگشای میرحسین موسوی است. او معتقد بود که اگر دولت به جای دروغ گویی راه صداقت با مردم در پیش بگیرد هیچ نیازی به دادن آمارهای دروغ ندارد.

شهید بهشتی : ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت

این حرف امروز بسیاری از دلسوزان کشور و انقلاب است که: اگر قرار است امنیت اجتماعی در کشور حاکم شود اولویت‌ها باید تغییر کند، بهترین فرزندان این مرز و بوم که در زندان ظلم و جور گرفتار هستند آزاد شوند و به جای آنها متجاوزین به نوامیس و اموال و جان مردم در زندان قرار گیرند.

میرحسین موسوی را به کمک بگیرد تا ریشه‌های بی‌خردی و ماجراجویی را در سیاست خارجی بخشکاند و با تکیه بر اعتماد مردم از موضع قدرت و صداقت تدبیر درباره منافع ملی با خارجی‌ها طرف مذاکره باشد در آن صورت خواهید دید که حتی خارجی‌ها هم به راستگو بیشتر اعتماد می‌کنند؛ همانطور که در دوران سید محمدخانی شاهدش بودیم.

این معلم زندانی درباره آخرین وضعیت شوهرش می گوید: آقای خواستار الان در زندان نگهداری نمی شوند و در بازداشتگاه وزارت اطلاعات به سر می‌برند. وی اضافه می‌کند: همسر بیمار است، اما در اداره اطلاعات گویا چند باری دکتر به او سر زده و الان حالش کمی بهتر شده است آقای خواستار در ملاقاتی که داشتم گفتند زندان به ما خیلی سخت گذشت، اما اینجا (اطلاعات) برخورد مناسب تری داشته اند.

سرکوبگران برای یک بار هم که شده حرف راست به زبان جاری کرده آنچه که می‌گویند: که پس از انتخابات جرائم رشدی سریع پیدا کرده‌اند. وزیر کشور ریشه همه این افزایش افسار گسیخته در جرائم اجتماعی و رشد مضاعف و ناهنجاری‌های طاق‌سوز را سرخوردگی اجتماعی ذکر می‌کند. آیا او می‌داند چه بر زبان رانده؟! دولت و هم‌پیمانان آن فضایی به وجود آورده‌اند که اگر کسی جرم و جنایت را پیشه خود سازد کسی کاری به کارش ندارد اما اگر روزنامه نگاری یا متفکری از سر درد و دلسوزی درباره این جرم و جنایت‌ها حرف بزند متهم به تشویش اذهان عمومی و اختلال در نظم می‌شود و بایست از دست دادن حقوق اجتماعی و زندان را به جان بخرد.

چرا وزیر کشور جرات نمی‌کند که بگوید نسبت طلاق به ازدواج در ایران در سال ۵۸ کمتر از ۷ درصد بوده و الان بیش از دو برابر شده است؟ فرق دولت کودتایی با دولتی که براساس خواست مردم سر کار می‌آید اینجا نیز ظاهر می‌شود چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۸۵ درصد فاحشه‌ها کسانی را در بر می‌گیرد که در سنین ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند؟ چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۳۰ درصد مبتلایان به ایدز به واسطه روابط جنسی دچار این عارضه شده‌اند و بالاترین درصد در میان آنها اختلاط مردان با مردان است؟

چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۸۵ درصد معناتان اولین تجربه منجر به اعتیاد را در سنین کمتر از ۱۵ سال به دست می‌آورند؟ آری. میان آنچه که فرمانده نیروی انتظامی گفته یعنی افزایش جرائم به دنبال کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ و آنچه که وزیر کشور به زبان رانده یعنی سرخوردگی اجتماعی به عنوان ریشه اصلی اوج‌گیری ناامنی‌های اجتماعی همه یک چیز را منعکس می‌کند و آن هم این است که کودتاچیان به همان اندازه که در نابود کردن درآمدهای نفتی مقصردن در گسترش ظلم و جنایت و تجاوز و ناامنی و آنچه که بر سر ملت می‌آید نیز مقصر می‌باشند.

مردم ما امروز که خطرات بحث‌های میرحسین موسوی را در دوران انتخابات مرور می‌کنند، می‌بینند که همه حساسیت‌هایی که او داشت و همه راهکارهایی که او توصیه می‌کرد، می‌توانست نجات‌بخش کشور از فقر و فلاکت و

با وجود بیماری شدید گوارشی بدون استفاده از هر گونه مرخصی در زندان وکیل آباد مشهد گذراند. زندانی که به لحاظ شرایط بهداشتی و رفاهی وضعیت بسیار نامناسبی دارد.

هاشم خواستار چند هفته ای قبل از تاریخ آزادی اش در نامه ای خطاب به رییس قوه قضاییه و دادستان مشهد درباره وضعیت ناگوار زندان وکیل آباد مشهد نوشت. نامه هایی که گفته می‌شود یکی از دلایل دوباره بازداشت آقای خواستار بوده است. همسر

امام خمینی: نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیافتد

هنگامی که عدالت و آزادی و حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها در مسلخ کودتا، شکنجه، حبس‌های غیرقانونی و قتل و کتک زدن مردم کوچک و خیابان قربانی می‌شود باید منتظر عواقب این جنایت‌ها و ظلم‌ها به شکل‌های گوناگون باشیم. اکنون مدتی است که دستگاه‌های مختلف بار مسئولیت خود را در قبال امنیت اجتماعی و اخلاق اجتماعی به دوش این و آن می‌اندازند. در این بازی جدید که عبارت است از خشتی سازی تا حذف احمدی‌نژاد و فرقه‌های او، مجلسیان فرصتی پدید آورده‌اند تا نامحرمان دولت یعنی عامه مردم هم فرصتی پیدا بکنند که از زبان طیف دیگری از انحصار طلبان و زور مداران با ابعدادی از آنچه که امروز در جامعه ما می‌گذارد آگاهی پیدا بکنند. سخن از این به میان می‌رود که تعداد قتل با چاقو و قمه از اندازه قابل متعارف خارج شده، طلاق افزایش شدید پیدا کرده به حدی که آمارهای آن در لیست مجرمانه‌ها و سری‌ها قرار گرفته، خودکشی در کشور پی‌داد می‌کند جرائم جنسی و ایدز، حتی جرائم اطفال و سرقت و زورگیری به مرز رکوردهای بدترین محلات فقیرنشین‌ترین شهر آفریقا رسیده است.

فرمانده نیروی انتظامی در مجلس سخن از افزایش جرائم و جنایات در دوره پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ به میان می‌آورد. وقتی آنها اولویت خود را حمله به مظلوم‌ترین و پاکدامن‌ترین و شریف‌ترین اتحاد این ملت قرار می‌دهند که تمام حرف‌شان سوال از رایشان است، وقتی دستگاه‌های نظامی و انتظامی و امنیتی خدمت‌ورترین و شایسته‌ترین فرزندان این ملت را هدف قرار می‌دهند و تمام هم و غم خود را سرکوب و شکنجه و زندانی کردن و اقرارگیری از آنها قرار می‌دهند معلوم است که این رویکرد به نوعی چراغ سبز دادن به دزدان و قاتلان و جانیان و متجاوزان خواهد بود.

وقتی هزاران نیرو بسیج می‌شوند تا مردم بر سر قبر نذا آقا سلطان فاتحه بخوانند، وقتی هزاران نیرو بسیج می‌شوند تا مراسم ختم هدی صابر در یک شرایط وحشتناک خفقانی برگزار شود وقتی هزاران نیروی بسیج می‌شوند تا مجلس ختم عزت‌الله سجایی بر گزار نشود. آری فرمانده

معلم زندانی همچنان به تکلیف در بازداشتگاه اطلاعات مشهد

هاشم خواستار، زندانی سیاسی و عضو انجمن صنفی معلمان ایران چهارم مرداد ماه امسال یعنی درست روز آزادی اش از زندان وکیل آباد مشهد دوباره بازداشت شد. اقدامی عجیب که کمتر در سیستم قضایی ایران رخ داده است. هاشم خواستار به دو سال حبس محکوم شده بود که این دوران را

طفلی به نام شادی،

دیریت گم شده است

با چشم‌های روشن برق‌با گیسوی بلند... به بالای آرزو/هر کس از او نشانی دارد/ما را کند خبر/این هم نشان ما/یک سو خلیج فارس /سوی دگر خزر...» شفیع کدکنی

۱- شکل‌گیری قرار در شبکه‌های اجتماعی برای برگزاری مراسمی از جنس آب بازی، پدیده‌ای است اجتماعی که هر گونه مواجهه سیاسی با آن یک «خط آشکار» است. شناسایی «انگیزه» شکل‌گیری این قرارها کار دشواری نیست و با یک نظر سنجی ساده از همان‌هایی که در این شبکه‌ها حضور دارند ممکن می‌شود. البته اندکی تعقل هم می‌شود پی برد که انسان برای «شاد بودن» انگیزه‌ای نمی‌خواهد بلکه شادی خود یک انگیزه قوی برای بسیاری از رفتارها و رابطه‌هاست.

۲- شادی از جنس آزادی است و چه بسا نمونه ناب و اعلا ی آزادی است. آنگاه که شادی را از کسی دریم می‌کنیم، بی‌هیچ محاکمه‌ای او را مجازات کرده‌ایم. حکومت‌هایی که شادی را از مردم خود دریغ می‌ورزند و راه بر شادی مردم می‌بندند، خواسته یا ناخواسته، کشور را به زندان بزرگی تبدیل کرده‌اند که در آن همه شهروندان بی‌محاکمه و بی‌گناه به زندان افتاده‌اند. وسعت این زندان مهم نیست، مهم آن است که بندهای آن نمی‌توانند شادی کنند. با این وصف، قرارهایی از جنس «آب بازی»، شکل‌گیری قرارهایی برای شادی است و شاید هم قرارهایی است برای فرار، فرار از دنیای سیاسی که سیاستمداران (حاکم‌شان) برایشان ساخته‌اند.

۳- آنچه در این مدت در بوستان‌های تهران زخ داد، یعنی زندگی هم چنان ادامه دارد. دسته‌ای از جوانان ایرانی، فارغ از هر گونه موضع‌گیری سیاسی و جناحی به حکم غریزه، قدرت ابتکار خویش و شبکه‌های اجتماعی خود را به رخ همه کشیدند و اعلام کردند: ما می‌توانیم زندگی کنیم، آن گونه که می‌خواهیم؛ ما می‌توانیم بخندیم با همه دردها، آن‌ها به سادگی هر چه تمام‌تر، رو به همه تریبون‌های غوغاگر و بی‌مایه‌ای که خود را سرچشمه همه فضایل می‌دانند نوشتند. این مایم که «مردمان سر رودیم» و حتی اگر فضای جامعه گل‌الود انحرافات رنجبره‌ای حاکمان باشد، ما آب بازی می‌کنیم اما آب را نگل نمی‌کشیم.

۴- کاش حاکمان و والیان به جای آنکه به فکر تادیب و تنبیه و تهدید جوانانی باشند که در این کارناول‌های شادی حضور داشتند، اندکی از آنان بیاموزند. کاش تنوع جمعیتی آنان را ببینند و به ماهیت غیر متمرکز شبکه‌های اجتماعی پی‌برند تا هر آنچه را در این شبکه‌ها می‌بینند و می‌شنوند به توطئه دشمنان نسبت ندهند. کاش از شادی یکسان قشرهای مختلف جامعه یاد بگیرند که نه تنها شادی و آزادی، بلکه خواسته‌های اصیل و نیازهای واقعی آدمی «ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است». کاش به جای سخن گفتن به زبان آتش – درباره آنچه در بوستان «آب و آتش»، رخ داد-، چشم‌هایشان را به آب بشویند و حقیقت جامعه را آنگونه که هست ببینند.

۵- جامعه‌شناسان گفته‌اند: «توتالیتراسم از طریق ایدئولوژی به دو شیوه جامعه مدنی را در هم می‌شکند و شرایط جامعه توده‌ای را اساساً تشدید می‌کند: یکی از طریق ویران کردن روابط میان انسان‌ها و دیگری از طریق ویران کردن روابط ادراکی انسان‌ها با واقعیت». یعنی، مواجهه امنیتی و سرکوبگرانه حکومت با مناسبات جدید اجتماعی، نشان‌باز درگیری یک حکومت توتالیتر با جامعه‌ای است که مناسبات حکومتی را بر نمی‌تابد و به آنچه به نام ایدئولوژی و یا ارزش در تریبون‌های رسمی حکومت تبلیغ می‌شود، بی‌اعتناست. به عبارتی دیگر، شکل‌گیری این قرارها در شبکه‌های اجتماعی، نوعی شکل‌گیری جامعه‌ای را می‌دهد که نه تنها مقهور و مغبون ساختار توتالیتر حکومت نشده است بلکه بزودی مناسبات و روابط خود را بر ساختار سیاسی قدرت تحمیل خواهد کرد.